

جلسه نهم سرکار خانم همیز

سلام علیکم جميعاً و رَحمة الله و بَرَکاتُهُ . اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ وَ لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ .
وقتی خداوند در حدیث کسا، می‌خواهد حضرت زهرا^(س) را معرفی کند می‌فرماید: هم فاطمه و ابوها و ... او فاطمه است و پدرش، فاطمه است و همسرش، فاطمه است و بچه‌هایش. سعی کنید خودتان تلاش کنید برای انس با حضرت زهرا^(س) در برنامه‌تان بیاورید.

یک دوستی دارم که پدرش مبلغ بین‌المللی است و به زبان مسلط است به کشورهای اروپایی می‌رود و کشورهای خلیج فارس دعوتش می‌کنند. می‌گفت یک بار رفته بودم کشور حاشیه خلیج فارس، برای مراسم دهه محرم. روز اول که منبر رفتم دیدم یکی از این مسئولان مملکتی‌شان، با اسکورت آمد و از من وقت خواست با من صحبت کند. من تعجب کردم. آمد به او گفتم من آمدم از شما دعوت کنم برویم منزل ما برای ما روضه بخوانید. در دلم گفتم: وای، این‌ها اهل سنت هستند. از من چه می‌خواهند؟ گفتم من اصلاً وقت ندارم. گفتم: خیلی خوب. بعد از این ده روز بیاید! من بعد ده روز منتظر شما هستم. من پیش خودم گفتم حالا به کاری می‌کنم. جلسه آخر آمد پای منبر من نشست. بعد گفتم من آمدم شما را ببرم راهنمایی‌تان کنم! گفتم: برای چه؟ گفتم: از شما خواهش می‌کنم برای من روضه حضرت زهرا بخوانید. گفتم: آقا برای چه؟ الان محرم است. الان ایام امام حسین است. گفتم: نه، من از شما تمنا می‌کنم. هر چه هم بخواهید به شما می‌دهم. فقط روضه حضرت زهرا برای من بخوانید. گفتم: خدایا، این چه می‌خواهد از من. چه دامی برای من چیده‌اند؟ گفتم همان جویری که می‌توانید بخوانید. گفتم: من در امانم؟ گفتم: بله در امانید.

من حرکت کردم و مرا با ماشین اسکورت بردند. وقتی وارد شدم دیدم اوه، تمام مسئولین مملکتی‌شان نشسته‌اند، سالن خیلی با شکوه و آن چنانی است. یک پرده هم کشیده بودند که معلوم شد خانم‌ها پشت پرده نشسته‌اند. من که برای روضه شروع کردم، وسط‌های روضه یک مرتبه صدای یک خانمی از پشت پرده آمد که این قدر جیغ می‌زد و گریه می‌کرد که غش کرد. یک مقدار مجلس متلاطم شد. من دیگر برنامه‌ام تمام شد و آمدم که پایین بیایم، آقا آمد تشکر کرد و یک عالم سکه طلا در دست من ریخت. گفتم آقا من پول نمی‌خواهم. گفتم نه نه، تو را به خدا این را از من بگیر. آخر به او گفتم: شما برای چه این کار را کردید؟ گفتم: من یک پسر ۱۰ ساله‌ای داشتم. یک روز خانم زنگ زد به محل کارم که این یک درهم قورت داده توی گلویش گیر کرده داره خفه می‌شود. ما بلافاصله هواپیما گرفتیم بردیم لندن. خیلی وضعیت وحشتناکی داشت. وقتی آمدند او را برای عمل آماده کنند، دکتر گفت شما باید امضاء بدهید. گفتم چرا. گفت چون شما مسئول مملکتی هستید اگر این بچه

بمیرد، من گیر نیفتم. گفت من حالم بد شد. گفت پس من عمل نمی‌کنم. تا آمدم امضاء کنم یک لحظه گفتم یا فاطمه زهرا، این شیعه‌ها تو را دارند، من هم از تو پسر را می‌خواهم. به نام تو من امضاء می‌کنم. امضاء کردم روی صندلی افتادم. یک دفعه دکتر آمد گفت: آقا، پسر شما سرفه کرد سکه از گلویش بیرون افتاد، گفت پسر بدو بدو آمد گفت: بابا، بابا، آن خانم! سلام بدهید. گفتم: ما خانم نمی‌بینیم. گفت: آن خانم زد پشت گردنم، این سکه از دهانم بیرون افتاد. همان‌جا گفتم: یا فاطمه، حالا که تو به من عنایت کردی، من در خانه‌ام برای مجلس می‌گیرم. خواستم مجلس بگیرم اینجا کسی نبود این کار رو انجام بدهد، از تو دعوت کردم.

می‌خواهم بگویم واقعاً حضرت زهرا^(س) یک شخصیت بین‌المللی است. وقتی حضرت محمد^(ص) می‌گوید سیده نساء العالمین، حضرت زهرا به شیعه نظر دارند. حتی در زمان حیات‌شان. حضرت علی^(ع) چادر ایشان را گرو گذاشت کنار همسایه یهودی‌شان، مقداری پول گرفت رفت جو خرید برای خانواده‌اش، زن صاحب‌خانه به اتاق می‌رود می‌بیند یک نور از توی خانه‌اش بیرون می‌آید. نگاه می‌کند می‌بیند چادر حضرت زهرا^(س) است که آنجا دارد نور می‌زند! شوهرش را می‌آورد، می‌بیند. فامیل‌هایش را می‌آورد، می‌بیند.

همه گواهی می‌دهند که این چادر نور می‌دهد. همه‌شان مسلمان می‌شوند! حضرت زهرا^(س) واقعاً نقطه عطفی است در نظام هستی، سعی کنید برایشان مراسم بگیرید در خانه‌تان. با بچه‌ها انس بگیرید. حتی در ایام کرونا، دور هم بنشینید بعد از شام، زیارت حضرت زهرا بخوانید. خیلی مؤثر است. روح‌تان با ایشان انس می‌گیرد. این که حضرت محمد^(ص) می‌فرمایند: لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى. من از شما اجری نمی‌خواهم الا این که اهل بیت مرا دوست داشته باشید، خود همین زیارت نامه خواندن یک نوع اظهار علاقه است.

من پسر مدرسه راهنمایی بود. یک آقای سیدی آمدند جلسه مادران، سخنرانی کردند. ایشان می‌گفت: مادر من، در خانه‌مان روضه حضرت زهرا می‌گوید. مادرم که از دنیا رفت، همه گفتند مراسم تدفین انجام شود، نمی‌دانم چه شد کسی آمد گفت: او را ببریم مشهد خاک کنیم. ما هم از خدا خواسته، بردم مشهد خاکش کردم. قبرستان آستان قدس. چند روزی آنجا بودیم بعدش آمدیم تهران. چهل‌م که رفتیم یک مرتبه سرخاک مادرم که بودیم یک آقایی راه می‌رفت می‌گفت: فامیل‌های این قبر چه کسانی هستند؟ مرا نشان دادند. گفتند این پسرش است. آقا به من گفت: من باید چیزی را به شما بگویم. گفتم بفرمائید. گفت من مشهدی‌ام. ما مشهدی‌ها زیارت نمی‌رویم می‌گوییم از شهرهای دیگر برای زیارت می‌آیند، راحت باشند. ولی حرم که زوار ندارد، حرم می‌رویم. من در خانه خوابیده بودم خواب دیدم که غسل زیارت کردم، رفتم حرم امام رضا^(ع)، خلوت. این قدر لذت بردم، رفتم به ضریح بچسبم، دیدم در ضریح باز شد وجود مقدس امام رضا^(ع) بیرون آمدند. گفتم: السلام علیک یا علی ابن موسی الرضا، تا سلام دادم آقا جواب دادند. گفتم آقا آمدم دیدنتان. گفتند بیا برویم. من هم دنبال‌شان راه افتادم. آمدیم اینجا. من دیدم یک کفنی اینجا هست که زیرش پایش مثل زلزله

شدید لرزید و دو موجود با قیافه‌های بد بیرون آمدند با گریزی در دست، گفتند: من ربّک؟ امام رضا رفتند جلو فرمودند: از من پرسید. آن‌ها طبعی شدند گفتند آقا ما اجازه نداریم باید از او پرسیم. بعد حضرت گفتند که نه، من اجازه نمی‌دهم تن و بدنش بلرزد. کسی که برای مادرم زهرا^(ع) عزاداری کرده نمی‌گذارم. آن‌ها رفتند. من دیدم قبر پر از نور شد. من از خواب پریدم. عجب خوابی من دیدم. رفتم غسل زیارت کردم آمدم حرم، آمدم قبرستان. گشتم دیدم همین است. هر روز می‌آمدم اینجا سر می‌زدم ببینم چه کسی می‌آید تا این خوابم را برایش بگویم. حالا شما این مطلب را به عنوان دستورالعمل در زندگی‌تان بیاورید و برای حضرت زهرا^(س) کاری کنید. هر دفعه یک قدمی بردارید و بچه‌هایتان را با ایشان آشنا کنید. خانه‌تان را در ایام سیاه پوش کنید. اگر هم مالی کاری نمی‌کنید، زیارت‌شان را بخوانید. برای بچه‌ها داستان‌های زندگی‌شان را بگویید و سعی کنید از این مراسم بهره ببرید.

کتاب از ولایت تا شهادت، مال آقای سید محمد کاظم قزوینی است. ایشان نیت کرده بودند اگر از دنیا رفتند، کربلا ببرندشان. منتها آن موقع هنوز جنگ ایران و عراق بود. ایشان را به عنوان امانت در زیر منبرشان در مسجدشان خاک کرده بودند. کتاب را هم روی سینه‌شان گذاشته بودند. بعد از سقوط صدام، خواستند که بدن را ببرند، چون خاک امانتدار است و بدن را نمی‌پوشاند، وقتی قبر را باز کردند دیدند کتاب سالم سالم است! سفید هم بود. در حالی که وقتی زمان می‌گذرد زرد کتاب می‌شود. خطبه حضرت زهرا^(س) را این قدر زیبا تفسیر کرده، اول ترجمه ساده و بعد تفسیر. زینب سلام الله علیها در هنگام ایراد خطبه پنج سال‌شان بیشتر نبود، من هرچقدر به سندشان مراجعه کردم نوشته بود زینب کبری. چطور؟ الان بچه‌های ما در ۵ سالگی حافظ کل قرآن می‌شوند!

اگر اتفاق خوبی در زندگی‌تان نیافتد، واقعاً ضرر کرده‌اند. خانمی برای من پیام داده که من هروقت به شوهرم می‌گویم که شیطان دارد بین من و تو را بهم می‌زند، می‌گوید شیطان تو هستی! کاین نشان می‌دهد این خانم کار نکرده برای تغییر شوهرش. موفق هم نیست. چون ما می‌گوییم دو عامل موفقیت شما دارید:

۱- روی خودتان کار کنید. خودتان محبوب خدا بشوید. اگر وجیه بشوید خدا قلب شوهرتان را عوض می‌کند. به نفع شما. ۲- برای ایمان شوهرت کار کن. در قنوت نمازت دعایش کن. می‌شود شوهر را عوض کرد و تغییر داد. به شرطی که خودتان تلاش کنید. چند جلسه دیگر تمام شود، دیگر نه من هستم و نه شما. جایی برای تمرین ندارید. اگر بغض و کینه تو در دل شوهرت باشد، یا بغض و کینه شوهر در دل تو باشد، هر دوی شما عاقبت به شر می‌شوید. چون شیطان کارش این است که کینه در دل شیعه بوجود بیاورد. چرا؟ چون شیعه وقتی کینه می‌کند حب علی از قلبش پاک می‌شود. شیطان پیروز می‌شود. بعد هم بچه‌ها اینجا دو جور بار می‌آیند، اصلاً به حرف پدر و مادر گوش نمی‌کنند، راه خودشان را می‌روند. شما این همه تلاش می‌کنید در مدرسه غیرانتفاعی وقت می‌گذارید و برنامه‌ریزی می‌کنید. حیف است اگر نتوانید قدم‌های مثبت بردارید. (کتاب از ولایت تا شهادت)

انتشارات کوکب است - خیابان انقلاب خیابان فروردین کوچه نوروز پلاک ۲۱

یکی از خانم‌ها می‌گوید من شوهرم خیلی از قبل بهتر شده، این حالت بد رو کنار نگذاشته که وقتی از نظر اقتصادی به او فشار می‌آید به دیگران فحش می‌دهد. من به شما گفتم. وقتی مردی در دهانش فحش است، دعایش مستجاب نمی‌شود. چون یکی از ۷ علت مستجاب نشدن دعا، یکی‌اش فحش است. تو هنوز نتوانسته‌ای با همسرت ارتباط قشنگ عاشقانه برقرار کنی. من همیشه می‌گویم زن‌ها باید چندین نقش داشته باشند. در کنار شوهرشان. اولاً، برایشان معشوقه باشند، از نظر جنسی بگویند خودم از تو راضی‌ام. اون جور که او می‌خواهد تو باید باشی، نه آن‌طور که تو می‌خواهی. دوم این که باید مثل خواهرش باشی، مشاوره سیاسی اجتماعی‌اش باشی، خواهر ما معمولاً این جایگاه را دارند. مثل مادرش باشی، واقعاً دلسوزش باشی. غم خوارش باشی. وقتی می‌آید حرف می‌زند وقتی می‌گویند مشکلی برایم پیش آمد، نگوئی آهان، دلم خنگ شد. چوب خدا صدا ندارد و از این حرف‌ها. اگر این چنین کنید، دیگر نمی‌آید دردهایش را برای شما بگوید، انگار دارد با یک غریبه حرف می‌زند. یک همکاری که او را رشد می‌دهد برایش باشید.

هر کدام از ما یک اشکالات و ایرادات داریم. آنچه را که هست ما بپذیریم. می‌خواهیم با او زندگی کنیم. سایه سرمان باشد خوب است.

مردی که از نظر جنسی از زنش راضی نباشد، زنش لباس ندارد. چون این دو، لباس هم هستند. اصلاً کم نمی‌آورید. خداوند وقتی که در قرآن می‌فرماید به حضرت سلیمان، زبان پرنده را یاد می‌دهد، به تو زبان شوهرت را یاد نمی‌دهد؟ حتماً یاد می‌دهد. اگر تا حالا انجام می‌دادی الان تازه می‌خواهی انجام بدهی، بله. قدری سخت است!

وقتی شما از شوهرت راضی باشی، او گره از زندگی‌اش باز می‌شود و کارهای بهتری انجام می‌دهد، آرامش پیدا می‌کند، او از تو راضی باشد، تو موفق می‌شوی و مورد عنایت خدا قرار می‌گیری. در دنیا و برزخ هر دو باهم ارتباط مستقیم دارد. نکته بعدی، بحث برتری مردان است. خداوند می‌فرماید: الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ... خدا مردها را برتری داده، ما این را باید بپذیریم. مثلاً دیده‌اید وقتی به مسجد می‌روید، باید از امام جماعت تبعیت کنید. هر چه می‌گویند باید گوش کنید. جلوتر از او نباید رکوع بروید یا به سجده بروید. باید با او حرکت کنید. این تبعیت کمی سختی می‌آورد ولی از آن طرف، اگر زودتر از رکوع بلند شوی، باید به رکوع دوباره بروی و با آقا بلند شوی چرا؟ چون رکوع و سجده او برای تو نوشته می‌شود. چون او نماز قبول می‌خواند، نماز تو هم قبول می‌شود.

منتها، خانه یک سازمان است و حضرت محمد^(ص) می‌فرماید: فَالرَّجُلُ سَيِّدُ أَهْلِهِ وَالْمَرْأَةُ سَيِّدَةُ بَيْتِهَا. مرد، مدیر خانواده است. باید با اجازه او ما برنامه‌ریزی مهمانی و غیره را داشته باشیم. مثلاً بچه دانشگاه قبول می‌شود باید مرد

تصمیم بگیرد که به شهرستان برود یا نه. من بارها گفتم. وظیفه ما زنان خیلی سخت است. در تنظیم آسایش مرد، غذا و سلامتی مرد، سلامتی بچه‌ها، مثلاً بچه‌ها که در سن بلوغ هستند چه غذاهایی بخورند و شوهر چه غذایی بخورد که از لحاظ جنسی قوت بگیرد. خیلی از زنان این قدر غذاهایی بدون علم درست می‌کنند که مرد، سرد مزاج می‌شود خدا در قرآن می‌فرماید: خدا اجازه می‌دهد که از این خانه‌ها نام خدا بالا برود. اینجا ما می‌گوییم از آقایان تان بخواهید که در خانه اذان بگویند. فوق العاده کار زیبایی است. اذان نزول ملائکه است و دعا و مستجاب می‌شود. اگر می‌توانید از اینترنت، رساله حقوق امام سجاد^(ع) را دریاورید درباره حق اذان گو، این قدر زیبا ایشان درباره اذان گو مطلب دارند. می‌فرمایند مثلاً کسی اگر یک سال اذان شهر را بگوید، حتماً بهشت می‌رود. قدیم‌ها، مغازه دارها کنار مغازه‌شان اذان می‌گفتند. در محله، لحظه اذان صداهای متعدد برای اذان می‌آمد. وقتی در بازار اذان می‌گفتند، برکت می‌شد.

افرادی که در خانه حلال و حرامی را خیلی توجه نمی‌کنند، خداوند در قرآن می‌فرماید از خدا و رسول^(ص) جدا می‌شوند. سنت خداست که این خانه‌ها خراب شود.

گوش علامه امینی باز شده بود هنگامی که به مکه رفته بودند، می‌گفتند من در مسجد النبی صدای فاطمه^(س) را به گوش سرم شنیدم، که گفت یا ابتاه، یا مهدی.

حالا شما در خانه وقتی زن و شوهر شیعه نسبت به هم کینه پیدا می‌کنید دل‌هایتان از هم دور می‌شود.

آیه ۱۶ در سورة نساء، (ترجمه آیه اینجا بیاید) برای اینکه مردها از نظر جنسی به رنج می‌افتند.

گفتم خانم‌ها به خاطر عادت ماهانه، باید غذاهای آهن دار بخورند. به جای چای، دم نوش‌هایی هست که می‌توانند استفاده کنند. دم نوش‌هایی بخورید که آهن را از بین نبرد.

اذانی که مرد می‌گوید در خانه، خودش طاهر می‌شود دهانش از آلودگی‌ها خالی می‌شود. بچه‌ها که می‌گویند، خجالت نمی‌کشند، شوهر باید خجالت نکشد اذانش را بگوید. به شرطی شما می‌توانید این را از شوهر بخواهید که رساله حقوق را بیاورید ثواب‌های راجع به اذان گو را آقا آن‌جا نوشته‌اند که اذان گو، به چه درجاتی می‌رسد در قیامت. این را که بشنود، خودش می‌رود اذان می‌گوید. همین که اذان را بلند بگویید کفایت می‌کند نمی‌خواهد حتماً با صوت بگوید. همین که گوش بشنود، همین اذان بلند به نظر می‌رسد. یا درخانه صدای اذان پخش شود، اذان پخش زنده، نه اذان ضبط شده، اگر اذان پخش زنده باشد از تلویزیون هم پخش شود اثر دارد. بعد هم، این خانم‌هایی که می‌گویند شوهر ما ناسازگار است کنار نمی‌آید بارها گفتم یک عالم ربانی در زندگی تان بیاورید. من دیدم شما به حسینیة آقای حق شناس خیلی نزدیک هستید. به آنجا مراجعه کنید خیلی برنامه‌های زیبایی برای خانواده‌ها دارند. خود آقای جاودان آنجا به طور ثابت برنامه دارند.

شوهر، با حرف تو کنار نمی‌آید. باید او را ببری پای صحبت یک آدم صاحب نفس، این اثر خیلی خوبی دارد.

اذان را در خانه‌ی خودتان هم بگویید، کفایت می‌کنند. شوهرت اول درخانه بگوید که حیائش بریزد. من خودم

پسرانم اذان صبح را دم پنجره آشپزخانه که رو به حیاط بود می گفتند. همسایه ها می گفتند خدا الهی خیرشان بدهد. ما با اذان بچه تو از خواب بیدار می شویم. سه وقت در روز، نزول ملائکه از آسمان است. شما که ساعت ۴ هم می خواهی نماز عصرت را بخوانی اذان بگویی هم خوب است. ولی آن ملکی که می خواهد بیاید ساعت ۱۲ که اذان ظهر است می آید. اگر همسران یک روز هم در خانه است اذان بگوید خیلی خوب است.

شوهر باید بگوید من از تو راضی هستم. اگر خودت بگویی قبول نیست. خدا می فرماید من مودت و رحمت را بین شما گذاشتم. پس هیچ زنی نمی تواند بگوید شوهر من، مرا دوست ندارد. خودش هم اگر بگوید من شوهرم را دوست ندارم، دروغ می گوید. چون خدا می گوید من این محبت را گذاشتم. حالا این محبت کی آشکار می شود؟ وقتی منیت های من، از بین برود.

گفتم یک پیرزن پیرمردی شب ها خر و پف می کردند. صبح که بلند می شدند، پیرمرد می گفت: بین، من از خر و پف تو نخوایدم. پیرزن هم می گفت: من از خر و پف تو نخوایدم. مرد یک شب زنگی می کند. صدای خر و پف زن را ضبط می کند که فردا به او بگوید بین تو چقدر خر و پف می کنی! صبح بلند می شود می بیند زنش مُرد! شب های بعد، با صدای ضبط شده خر و پف او می خوابید! یعنی رحمت در قلبش بود، ولی منیتش اجازه نمی داد او بفهمد. خداوند می فرماید من مودت و رحمت را در دلتان گذاشته ام. پس چرا الان توی دلتان کینه است؟ هر دو منیت دارید. به هر حال کسی باید این رد را بشکند. اگر یک این حرکت را شروع کنند، خداوند درها را باز می کند ان شاء الله.

۶۹ بار خدا درباره شیطان در قرآن حرف زده است. راجع به ترفندهایش، اخلاقش، راجع به نق زدن هایش به خدا، توهین هایش به خدا، راجع به این که چطور سر آدم و حوا را کلاه گذاشته، شما چند تایش را بلدید؟

یکی از مادران: استاد من چند تا را پیدا کردم ولی دنبال کلماتی می گشتم که "یعدکم" داشته باشد مثل الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ، دنبال کلمه "دعوت" می گشتم. آیه ۲۶۸ سوره بقره، آیه ۲۱ سوره نور، آیه ۱۲۰ سوره نساء، آیه ۴۱ سوره اسراء، آیه ۲۷ سوره اعراف، که می فرماید هوشیار باشید که شیطان شما را به فتنه نیاندازد. تفسیرش را خواندم در این باره، که خداوند می فرماید: راه شیطان را از بالا و پایین یعنی دعا و سجده بر شما بستم. اما از چهار جهت شیطان، انسان را محاصره می کند، از جلو امر آخرت و آینده را برای انسان بی اهمیت جلوه می دهد، از پشت، مال و ثروت را برای انسان لذت بخش می کند. این که باعث می شود انسان عدم انفاق داشته باشد. از راست، دین را در نگاه مردم زشت جلوه می دهد، و از چپ لذت های مادی در کام انسان شیرین می کند. اما خداوند وعده داده که از بالا و پایین راه شیطان را بسته، در تفسیر نوشته نصیحت خدا در مقابل شیطان به انسان است که از بالا و پایین یعنی راه دعا و سجده را آزاد گذاشتم و شیطان نمی تواند از این راه ها نفوذ کند. بعد، شیطان ها ۲ دسته اند جن و انس. بزرگترین دشمن انبیاء هم شیطان ها بوده اند که انسان ها هم دو دسته اند

رهبران فاسد دینی و رهبران فاسد سیاسی که این‌ها خطرناک‌تر از شیطانِ جن‌اند.

پاسخ: خدا ان شاء الله به شما خیر بدهد و شیطان بر شما مسلط نشود، کار کنید.

من تا الان الحمدلله هرگز گوش نمی‌ایستم بینم ۲ نفر چه می‌گویند: در قرآن می‌فرماید این از عمل شیطان است. می‌گویند نجوای ۲ نفر را گوش نکنید. باهم نجوا هم نکنید.

در زیارت امین الله، هر قسمتی از آن می‌تواند برای یک ماه، خوراک باشد. مثلاً می‌گویند خدایا، من اخلاق دشمنان تو را نداشته باشم. دشمنان خدا چه کسانی هستند؟ گوش می‌ایستند، در روایت داریم کسانی که استراق سمع می‌کنند روز قیامت در گوششان مار می‌ریزند. حالا این را می‌گویند که مثلاً طرف بترسد و این کار را نکند. ولی استراق سمع خیلی کار بدی است. حالا تو با شوهرت صحبت کنی بچه‌ها بیایند استراق سمع کنند تو خورش می‌آید؟ می‌گویی نه! همسایه یا مادر شوهرت گوش کند خورش می‌آید؟ می‌گویی نه. خوب خودت هم نکن. آنچه را برای خودت نمی‌پسندی برای دیگران هم نپسند. این خیلی نکته مهمی است. این را در زندگی تان بیاورید. به بچه‌ها هم یاد بدهید. اخلاق دشمنان خدا را نداشته باشند. اصلاً فکر کنم دشمنان خدا چه اخلاقی دارند؟ پنهان کاری‌های زیادی دارند. فکر می‌کنند خدا نمی‌بیند. در صورتی که امام سجّاد علیه‌السلام روحی له الفداء می‌فرماید: ای خدا، اگر یک بچه کوچک در اتاق بود من جلوی او گناه نمی‌کردم، من از تو شرمندم که تو را نادیده گرفتم. حتی از یک بچه کوچک هم به تو کمتر اهمیت دادم! این خیلی گناه بزرگی است.

تو می‌پسندی که شوهرت در غیاب تو یک سری کارها را بکند؟ ولی خانم‌ها در خانه چقدر در غیاب شوهر کار می‌کنند؟ اصلاً فکر کن این صحنه عمل تو را بعداً آن‌ها می‌بینند. راجع به تو چه قضاوتی می‌کنند؟ اصلاً این تمرین‌اش، خیلی تمرین قشنگی است. تمرین کنیم که اخلاق‌مان، اخلاق دشمنان خدا نشود. اخلاق آن‌ها چیست؟ پنهان کاری بدجنسی مخفیانه، زیر آب زنی و یک سری از این کارها. در آخر می‌گویند خدایا، تو دشمنان مرا کفایت کن باور کنید من از زیارت امین الله معجزه دیدم.

یکی از کارهای شیطان، ناامید کردن است.

من همیشه می‌گویم. یک کار قشنگی که می‌شود در خانه‌ها انجام داد که من خودم خیلی کیف‌اش را کرده‌ام، پدر خدا بیامرز من، بعد از شام، با ما جلسه می‌گذاشت. چون، فقط شب بابا را می‌دیدیم. صبح که می‌رفت سرکار، ما هم مدرسه می‌رفتیم. ناهار هم که نبود. شب دور هم شام می‌خوردیم. بعد ایشان بعد از شام می‌نشستیم برای ما قصه می‌گفت. کلیله و دمنه می‌گفت، مثنوی می‌گفت، حافظ می‌گفت. این قدر ما کیف می‌کردیم بچه بودیم هم داستان بود هم خوش‌مان می‌آمد، هم کلی چیز یاد می‌گرفتیم. ده پانزده دقیقه می‌شد بیشتر هم نه، داستان بگویید. یا همین زیارت امین الله را بخوانید. مثلاً در یک روز خاص. مثلاً برای سه‌شنبه‌ها، دعای توسل بخوانید. این چیزها دور هم خیلی اثرات خوبی دارد.

ما الان هم که بچه‌هایم ازدواج کرده‌اند دورهم جمع می‌شویم، سعی می‌کنیم یک حدیثی یا مطلب علمی یا مطلب قرآنی در جمع گفته شود. بعد بچه کوچک‌هایمان، نقاشی‌هایش را می‌کشند می‌آورند. خیلی کار جالبی است.

باید به بچه‌ها بگویید بچه‌ها، اگر من در این کلاس شرکت کردم و از شما راضی بودم، یک چنین اتفاق خوبی برای شما می‌افتد که بچه‌ها سعی کنند شما را رعایت کنند. به هر حال بچه‌ها باید اجازه بدهند که شما هم به کارهایتان برسید. توی خیابان ایرانشهر قبل از کریمخان انتشارات مدرسه است این قدر کتاب‌های بچه‌گانه دارد فوق‌العاده زیبا.

یکی از مادران: چند شب نهج‌البلاغه خانوادگی خواندیم خیلی عالی بود.

پاسخ: اگر بچه‌ها سطح‌شان بالاست، نهج‌البلاغه بخوانید، اگر سطح‌شان پایین است خسته می‌شوند رعایت سن بچه‌ها را بکنید.

اخلاق اعداء چیست؟ زن به شوهر احترام نمی‌گذارد. شوهر را برده خود می‌داند. غلام خودش می‌داند. اگر توهم این طور باشی، اخلاق اعداء را داری! ولی شما اصلاً به شوهرتان تذکر ندهید. خودتان خوب شوید. به قول یک نفر می‌گفت اگر بچه شما کار بدی کرد به خودتان نفرین کنید که من چه بودم که او این طور شد! خانم‌ها نمی‌دانید وقتی خانه‌ها از حالت یخ و انجماد در می‌آید چقدر خدا به شما برکت می‌دهد. سلامتی می‌آید.

سؤال: چطوری بچه‌ها را برای نماز صبح بیدار کنیم که گناهکار نباشیم و بدشان نکنیم؟

پاسخ: این‌ها را باید در یک فرصت مقتضی بگوییم. شما تربیت فرزند ۲ من را از خانم کوثر کتاب‌دار بگیرید گوش کنید. آنجا درباره نماز مفصل آموزش دادم.

پایان مبحث

جلسه نهم سرکار خانم همیز